

مومن به الله و نافع به عباد الله بود...

«شهید هاشمی نژاد و مردم» در گفت و شنود شاهد یاران با آیت الله سید جعفر سیدان

● مراقب

آیت الله سیدان یکی از زنده ترین پروردگان مکتب آیت الله حاج شیخ مجتبی قزوینی و آیت الله میلانی، در این گفتگو در باره سلوک عرفانی و محبت و رافت شهید هاشمی نژاد نسبت به بندگان خدا سخن گفته و این وجه مغفول از شخصیت ایشان را هر چند به اختصار، اما با دقتی عالمانه بررسی کرده اند.



دوست می داشتند که به ضعفا و گرفتارها رسیدگی شود. از جهات عبادی حالت و توجه خاصی داشت، به طوری که گاهی برای ورود در عبادات، مخصوصا نماز، به زحمت می افتاد و مثلا الله اکبر را که می خواست بگوید چند بار تکرار می کرد تا بتواند آماده ورود به نماز بشود. به اینکه حالت انقطاعی از دنیا پیش آید، کاملا مراقب این معانی بود و از خواندن دعاهای مأثوره در مواقع مناسب اهتمام داشت تا آنجا که در بسیاری از محافل که چند نفری دور هم بودیم، به هر مناسبتی دوست می داشت که با توسل به ائمه اطهار(ع) همراه باشد. بدیهی است که این مسایل معنوی و روحی و توجه به خداوند و اولیای خدا بسیار با اهمیت است و وقتی که این حالت با فضل و فضیلت و علم و کمال و معلومات و جهات علمی همراه باشد، این جنبه های معنوی و روحی نقش و خاصیت به سزایی دارد.

دو نکته ای که در باره شهید هاشمی نژاد در جهت توجه به مستمندان و مهربانی با ضعفا و حل مشکلات آنان و همچنین در جهت ارتباط گیری ایشان با خدا و اولیای خدا عرض کردیم، در احادیث و روایات و قرآن و مکتبمان بیش از آنچه که فکر می شود، در دعا و توسلات تاکید شده است. در حدیثی از پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) آمده است که از پیامبر سؤال می کنند بهترین خصلت ها و صفت ها کدامند؟ حضرت فرمودند: «خیر الخصال خصلتان: الایمان بالله و النفع لعیبادالله». از این حدیث استفاده می شود که توجه به خدا و اولیای خدا که توجه به آنها، توجه به خداوند متعال است، در راس خصلت ها قرار دارد و همچنین به بندگان خدا رسیدن و برای آنها نافع و مفید بودن، بنابراین خیلی به جاست که تا می توانیم از امکانات مختلفمان در جهت رفع نیازمندی های گرفتاران استفاده بکنیم که کاملا مورد تاکید دین ما قرار گرفته است و در همه جا در قرآن و حدیث بر این دو جهت که گفته شد، یعنی توجه و ارتباط با خدا و خدمت به خلق خدا زیاد تاکید شده است. ■

مکتب را در جامعه بازگو کنند. ویژگی های فردی ایشان در ابعاد اخلاقی و عبادی چگونه بود؟ در جهت فردی، ایشان مهربانی خاصی نسبت به ضعفا و مستضعفین داشت. نمونه کوچکی را برای نشان دادن آنچه که در باطن و روح و عمق وجود ایشان بود، ذکر می کنم. گاهی که با هم می رفتیم خیابان، اگر به دست فروشی

از خصوصاتی که در مجموعه زندگی شان بسیار مشخص بود و به نظر می رسد که در صدر همه مسایل ایشان مطرح بود، مسئله عزت اسلام و مسلمین بود و اینکه کارها و تلاش هایی در این جهت بشود و لذا آنچه در ارتباط با خودشان بود، از صحبت ها و سخنرانی ها، اکثرا حول این محور دور می زد و نتیجتا مایه ابرومندی و عظمت اسلام می شد تا حتی الامکان همگان آن عظمت را مورد توجه قرار دهند و لذا ایشان هم در گفتار و هم در قلم و نوشته ها و هم در برخورد ها و هم در جواب و سئوالات هم در جنبه های زندگی، این مسئله را همیشه مورد نظر و توجه قرار می دادند که به گونه ای حرکت کنند و به گونه ای مسایل مطرح شوند و در نتیجه آنچه میسر هست، از عظمت اسلام بازگو شود و در جامعه هم مطرح شود و لذا در بسیاری از موارد به مقایسه اسلام و مکتب های مختلف می پرداختند تا از طریق، امتیازاتی که در اسلام است، بررسی و دقت و با قشری که برای این امر مناسب است، صحبت شود تا از این راه عظمت اسلام را درک کنند و آنها را متوجه سازند. همچنین قشرهای مختلف دیگر را در ابعاد دیگری که مناسب به نظر می رسد، تربیت می کردند که این البته امتیاز بسیار مهمی است و نشان دهنده علاقه شدید به اساس اسلام و دیانت و مخصوصا علاقه به اهل البیت(ع)، در همه این مسایل بود. حقیقت اسلام، مکتب اهل البیت(ع) است و ایشان تلاش می کردند در اساس مکتب اصول و فروع این

برمی خورد که بساطی را پهن کرده بود و شهید هاشمی نژاد یک چیزی جزئی مانند جوراب می خواستند بخرند، فروشنده هر چه می گفت، به او می دادند. البته نه به خاطر اینکه ایشان در خرید مسامحه داشتند که دقت در این جهت داشتند که کسی گران فروشی نکند که این لازم و به جاست و توجه هم می کردند، اما به محض این که احساس می کردند آن فرد، مستمند است و نیاز مالی دارد و با این وضع دارد زندگی می کند، دقت در این معنا نمی کردند که گران گفته، بلکه به نیت کمک به او و به بهانه خرید، هر چه می گفت به او می دادند و گاهی خود فروشنده یک مقدارش را برمی گرداند. به طور کلی این حالت در ایشان قوت داشت

در ابتدا بفرمایید شروع آشنایی حضرت تعالی با شهید هاشمی نژاد از چه زمانی بوده است؟ آشنایی ما با ایشان بر می گردد به دوران حوزه و درس و بحث طلبگی. ما با ایشان با همدرس و یا در مجموعه های درسی مشترک بودیم. دوران آشنایی من با حجت الاسلام و المسلمین شهید هاشمی نژاد دوران ممتدی بوده است. چه خصلت ها و ویژگی های در شهید هاشمی نژاد پررنگ و برجسته بود؟

از خصوصاتی که در مجموعه زندگی شان بسیار مشخص بود و به نظر می رسد که در صدر همه مسایل ایشان مطرح بود، مسئله عزت اسلام و مسلمین بود و اینکه کارها و تلاش هایی در این جهت بشود و لذا آنچه در ارتباط با خودشان بود، از صحبت ها و سخنرانی ها، اکثرا حول این محور دور می زد و نتیجتا مایه ابرومندی و عظمت اسلام می شد تا حتی الامکان همگان آن عظمت را مورد توجه قرار دهند و لذا ایشان هم در گفتار و هم در قلم و نوشته ها و هم در برخورد ها و هم در جواب و سئوالات هم در جنبه های زندگی، این مسئله را همیشه مورد نظر و توجه قرار می دادند که به گونه ای حرکت کنند و به گونه ای مسایل مطرح شوند و در نتیجه آنچه میسر هست، از عظمت اسلام بازگو شود و در جامعه هم مطرح شود و لذا در بسیاری از موارد به مقایسه اسلام و مکتب های مختلف می پرداختند تا از طریق، امتیازاتی که در اسلام است، بررسی و دقت و با قشری که برای این امر مناسب است، صحبت شود تا از این راه عظمت اسلام را درک کنند و آنها را متوجه سازند. همچنین قشرهای مختلف دیگر را در ابعاد دیگری که مناسب به نظر می رسد، تربیت می کردند که این البته امتیاز بسیار مهمی است و نشان دهنده علاقه شدید به اساس اسلام و دیانت و مخصوصا علاقه به اهل البیت(ع)، در همه این مسایل بود. حقیقت اسلام، مکتب اهل البیت(ع) است و ایشان تلاش می کردند در اساس مکتب اصول و فروع این